

سبک‌الی و بکر ولیه علیه السلام

«صلی الله علیک یا فاطمه الزهرا»

خاطره تلخ

(شعر فاطمیه)

ای شب

ای سیاه عالمگیر

که بر فراز آسمان با چادر ستاره نشانت خیره بر زمین سایه افکنده ای

بر من بخوان

این سرود تلخ جانسوز را

که چه شد که غم آکنده گشت بر جهان

و به یک آن

همه خون‌ها در رگ‌ها سرد گشت

او که در اوج، پاک بود

صاحب عصمتی از اصل

و پاسبان خیمه ای از بوی جنون

او که عاشق بود و پدر عاشق بر او

بر من بخوان

انتقام پلک‌های کودکان که اشک سربی بر گونه می تراوند پس چیست؟

ای کاش خاکستر می گشتم.

ای کاش چشمان، خونابه اشک می گشت.

از ندای تپش‌های قلبشان که می خواندند آرام،

خدایا مادر

فریاد می زنم:

آیا او جز یک زن بود

خدایا ای کاش این خواب بود رویا بود

ای شب

برایم بگو

این خاطره تلخ

که مادری بخود لرزیده

کودکی در پشت در، در خاک و خون تنیده

دست نرم در برابر درگاه دیده

و نفس راه در سینه حبس دیده

از کدام کویر به تن لخت زمین رسیده

من می شنوم.

منتظرم

تا که آسمان در گشایی رو به زمین

و بشنوم که چه بود

ماجرای مادری پشت در

و چه بود ماجرای صاعقه و وحشت و درد